



بی صدا چکه چکه بار بدم

زهره بخشی

۱۳۹۷

سرشناسه : بخشی، زهره، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدید آور : بی صدا چکه چکه باریدم / زهره بخشی

مشخصات نشر : بیرجند : متخصصان آینده، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری : ۱۲۷ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹-۱-۹۹۳۲۹-۶۲۲-۹۷۸-۱۲۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴

موضوع : Persian poetry -- 20th century

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ب۹۴۵۶۵ خ/۴۴۳۳۵ PIR

رده بندی یویی : ۸۴۱/۶۲

شماره ثبت کتاب ملی : ۵۱۷۲۸۶۶

بی صدا چکه چکه باریدم

زهره بخشی / ولف

موضوع : متخصصان آینده

صفحه آثنا رضایی

نوبت چاپ : اول / اردیبهشت ماه ۹۷

شمارگان : جلد

قیمت : ۱۲۰۰۰۰ ریال

شابک : ۹-۱-۹۹۳۲۹-۶۲۲-۹۷۸-۱۲۰۰۰۰

۰۱۱۵۵۶۱۰۶۰۱

تلفن مرکز پخش :

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب مطابق با ماده ۲۰۰ قانون حقوق مؤلفان و مستفان مصوب سال ۱۳۴۸ برای ناشر محفوظ و منحصرأ متعلق به انتشارات متخصصان آینده می باشد لذا هرگونه استفاده از کل یا قسمتی از این کتاب بدون اجازه کتبی ناشر متخصصان آینده ممنوع بوده و شرعاً حرام است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.



۱	گاهی سکوت من را شنیدی عاشقانه
۲	
۶	باید زهم را ن شویم
۱۰	یک سبزه از شب رویا
۱۲	تا تو نمری من بمیرم
۱۶	پاکی ، نجابت ، سادگی
۲۰	این شعرها طرح خیار رست من
۲۴	من زنی خوشبختم
۲۸	از قلب من تا قلب تو
۳۰	گاهی مهربان باش
۳۴	من شکل یک آواز بر گوشت نشستم
۳۶	تردید یعنی حال الانی که من دارم
۴۰	باز این تویی رویای زیبای شب من
۴۴	من با تو ریشه میزنم
۴۸	تو ساکن چشمان من بودی
۵۲	تو سایه گشتی بی اثر
۵۶	بی صدا چکه چکه باریدم
۶۰	من را ندیده ای میان این همه سیاه ها
۶۲	و مست میشود لبم ، و سست میشود تنم
۶۴	و تو غصناک ترین نفمه ی چنگی به شب من
۶۶	تو در منی مثل نور در دیده
	تو شکل تو به شکل هیچ کس

- ۶۸ باز واقعا زنده ام هنوز
- ۷۰ خیال کن که اصلاً عاشقت نبوده ام
- ۷۲ تو مرا ز خاطرت ببر
- ۷۶ خمار کن دو چشم مرا ؛ زان خمار چشمانت
- ۸۰ باز عاشقی بلد نبوده ام
- ۸۲ تو فقط صدای مبهمی ، ز دورها شدی
- ۸۴ و تو بودی ، که هوایت به سرم زد امشب
- ۸۶ فقط تویی ، تمام آنچه من ، همیشه گفته و شنیده ام
- ۸۸ که من از جنس غم و اشک ، قبایی دارم
- ۹۰ مرا آفتاب و ز من بتی ساخت
- ۹۴ تو تمام بعضی رویش و تپیدن منی
- ۹۶ تو از لاله اف رده ام ؛ جا روی هیئات
- ۹۸ تو دگر قلب منی که در دلم ؛ پایان ؛ در تپشهای خودم ؛ میشنوم
- ۱۰۰ شدم سپید و ماه من ؛ شدم زلال ؛ شدم همان من بزرگوار
- ۱۰۲ مهربانم ؛ نکند چشمانت ؛ من ترم کم سو است
- ۱۰۴ نقش زیبای تو در دل دارم
- ۱۰۶ و همان سرخی دو چشم ترم
- ۱۱۰ کنار بوسه هایت ؛ دار بستم ؛ که باقم نقشی از خون جگرها
- ۱۱۲ رؤیای شیرین محالم
- ۱۱۴ از خاطرت بردی ؛ دادیم بدست باد
- ۱۱۶ من شدم به شکل خنده های تو
- ۱۱۸ یک نفر همیشه می ماند ؛ یک نفر همیشه می خواند
- ۱۲۲ یک نفر ؛ در من ؛ بی قرار است
- ۱۲۴ گاه از حال پریشان دلت می گفتم

به نام خالق زیبایی

کودکیهایم ، پر از پرندگی بود از شانه های ادراک ، در باغی به وسعت رسیدن به بلوغ، نوبالغ که بودم ،

مسخ نمیشد و به نیال ادراک ماهیت شاعرانگی های زیبایی های رفساره ام

پر از حس ریاضت شدنیا ، از حس دنیا دنیا غرور کودکانه

بیوان که شدم ، به سوق شدن ساله های پرتلاش بی بهانه

چهار ساله که شدم دانشم را به گویم حرف هایی برای ، برایش ، تا بتوانی تا بفواند تا بداند که زندگی زیباست

من متولد شهر پر فاطره کودکی های شیریندم مشغول هستم کارشناس رشته علوم آزمایشگاهی ، که به شکای شاعرانه ای عاشقانه کار کردم و به سیدروپهای مهربان آزمایشگاه همزیستی مسالمت آمیز یافتم ، کنششنات کردم و دوستشان می دارم ، برایشان تا بلند کتاب میکروب شناسی تالیف کردم تا دانسته هایم را دیگران هم به راحتی بدانند برای محالی نیست ، انسانهای دردمند بیمار و جزء یکی از محدود کارشناسان expert کشور پهناورمان ایران هستیم ، که در حوزه استانداردسازی واحد میکروب شناسی آزمایشگاه های تشخیص طبی، فعالیت می کنیم .

امیدوارم نوشته های من ، شاید حرف های دلتان باشد .

نوشته هایم را تقدیم می کنم

به چشم هایی که مرا عاشق کردند

و غنچه های زندگی ام صبا و رها